

بودجه و رفاه خانواده در شهر تهران: مطالعه‌ای جامعه‌شناختی از کیفیت زندگی خانواده

محمد تقی شیخی

چکیده

تحقیق حاضر به اندازه‌گیری و برآورد بودجه خانواده در شهر تهران می‌پردازد، تا بدان وسیله به چگونگی رفاه خانواده بتوان پی برد. از آنجا که رفاه خانواده به عنوان مفهومی جدید در سطح کلان، حاصل جامعه صنعتی است، دست‌یابی به آن خود مستلزم سرمایه اجتماعی و بودجه ملی مناسب می‌باشد. چگونگی وضعیت پس‌انداز در خانواده نیز خود رفتار اقتصادی و رفاه خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجا که رفاه خانواده به عنوان نیازی جدید در عصر حاضر بین خانواده‌های نوین مطرح است، پی‌بردن به عوامل به وجود آورنده آن، خود به عنوان یکی از اهداف عمده این تحقیق به حساب می‌آید. روش به کار رفته در این پژوهش از نوع نظری و عملی می‌باشد، و در آن ضمن بررسی دیدگاه‌های مختلف و مربوط، در بخش عملی ۶۲۳ خانواده مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق بیانگر این واقعیت است که خانواده‌های با بودجه کمتر، از کیفیت زندگی پایین‌تری برخوردار هستند. در عین حال، بودجه محدود خانواده خود بار تکفل سنگینی را بر دوش خانواده‌ها نهاده است، و در مقابل بهبود بودجه، سلامت بیشتر خانواده را به دنبال آورده است.

کلید واژه‌ها: بودجه خانوار، سطح زندگی، صنعتی شدن، بی‌سازمانی خانواده، بی‌هنجاری

مقدمه

تحقیق حاضر با این هدف آغاز گردیده است تا به تصویری روشن از شرایط اجتماعی-اقتصادی خانوار/خانواده در شهر تهران بتوان دست یافت؛ یعنی دست‌یابی به مجموعه اطلاعاتی که تا حدی قابل تعمیم به جامعه بزرگ‌تر (ایران) می‌باشد. در این پژوهش دو مفهوم خانوار و خانواده که گرچه به لحاظ مفهومی تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، ولی به لحاظ کارکرد به یکدیگر بسیار نزدیک هستند، یکسان فرض شده‌اند. آنچه اصطلاحاً به بودجه خانوار موسوم است، و در اصل منعکس‌کننده موقعیت اجتماعی و اقتصادی

خانواده است، از اهداف تراز اول در این تحقیق به حساب می آید. از آنجا که درآمد، تعیین کننده عمده کیفیت زندگی خانواده به حساب می آید، این پارامتر در قالب سؤالاتی مربوط و متفاوت مورد ارزیابی و کارشناسی قرار گرفته است. از دیگر اهدافی که این پژوهش دنبال می کند، همانا پی بردن به این حقیقت است که مجموعه روش زندگی و آداب و سنن خانواده ها، وضعیت مسکن، بهداشت عمومی و روانی، موقعیت اجتماعی آن ها، موارد محرومیت، انواع فشارهای روحی خانواده ها و ... و به طور کلی کیفیت زندگی خانوار/ خانواده تا چه حد تحت تأثیر درآمد و علم و تکنولوژی قرار دارد. جهت تحقق این منظور، تعدادی خانواده/خانوار به طور عملی مورد مراجعه و آزمون قرار گرفته اند، تا از آن طریق به اطلاعات مورد نیاز بتوان دست یافت. همین طور، جهت پی بردن به بودجه خانوار، خصوصیات اجتماعی-اقتصادی مربوط به آن مشتمل بر کل درآمد، سهم نسبی هر یک از زن و مرد، زمینه ها/ موقعیت تحصیلی آن ها و ... مورد بررسی قرار گرفته است.

سؤال یا فرضیه عمده تحقیق حاضر پی بردن به ارتباط بین میزان درآمد و کیفیت زندگی بین خانوارها/ خانواده های ساکن در شهر تهران است، و پژوهش گر عمده به دنبال اثبات آن است. از این رو، بیان مسئله فوق، خود ضرورت انجام تحقیق را در قالبی جامعه شناختی ایجاب می نماید.

پیمایش حاضر قصد بر این دارد تا خانواده را در چارچوب اجتماعی و اقتصادی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. قبل از ورود به موضوع، پژوهش گر تعریفی روشن و عمومی از خانوار که در این تحقیق تقریباً همان خانواده است، ارائه می دهد. خانوار به عنوان فردی تنها یا گروهی از افراد تعریف شده است که دارای یک آدرس یا محل سکونت بوده و یا حداقل در یک وعده غذایی در روز با یک دیگر سهم و شریک هستند. از آنجا که اعضاء نامربوط و غیرفامیل در این تعریف مشکل ساز می نماید، جامعه شناسان واحد خانوار را در دو قالب تعریف کرده اند:

الف) آن دسته از خانوارهایی که مبتنی بر ساختار خانوادگی و تعداد، اندازه و انواع خانواده هایی که درون خانوار قرار دارند (Jary 1999:295).

ب) آن دسته از خانوارهایی که مبتنی بر ساختار سنی و جنسی بوده و نشان دهنده تعداد فرزندان، بزرگسالان و حتی در مواردی افراد در سن مستمری بگیری در خانوار هستند. در هر حال، از آنجا که در ایران، خانوار عموماً همان خانواده است، این دو مفهوم به کار گرفته شده اند.

پس انداز یا به عبارتی میزان پس انداز خود نقش تعیین کننده ای در چگونگی وضعیت یا کیفیت اجتماعی و اقتصادی خانوار/خانواده در هر جامعه اعم از صنعتی یا رو به توسعه ایفاء می نماید. از این رو، پس انداز خود تأثیر به سزایی بر رفتار و واکنش های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خانواده نیز بر جای می گذارد. مقاله به بررسی عوامل عمده تعیین کننده موقعیت خانواده در چارچوب جامعه شناختی آن می پردازد. تحقیق حاضر به این تجربه می پردازد که بودجه خانوار چگونه در قالب ایرانی آن، کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می دهد، و در آن بعضی دیدگاه ها و ادبیات مطرح شده توسط نویسندگان مختلف مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. در ادامه بحث و بررسی نتایج، اطلاعات و داده های به دست آمده نیز منعکس خواهد شد. در حالی که نتایج مقاله انعکاسی از موقعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده در جامعه ایران است، آن خود مجموعاً منعکس کننده وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده در بسیاری دیگر از جوامع رو به توسعه نیز هست.

الگوهای مربوط به بودجه و هزینه این گونه قابل بیان است که دو خانواده/خانوار هرگز در آمد خود را دقیقاً یکسان هزینه نمی کنند. در عین حال، شواهد آماری حکایت از این دارند که به طور متوسط یک نوع نظم قابل پیش بینی در تخصیص هزینه های خانواده/خانوار در خصوص غذا، پوشاک و سایر اقلام عمده با توجه به روش زندگی رو به تغییر، وجود دارد.

براساس تحقیقات به عمل آمده، عملاً هزاران پژوهش در خارج از ایران (جوامع صنعتی) در خصوص بودجه و اینکه خانواده ها با سطوح مختلف در آمد، چگونه با توجه به الگوهای رفتاری متفاوت، پول خود را هزینه می کنند، صورت گرفته است (Samuelson 1984:209). مثلاً، در بسیاری از جوامع صنعتی حتی در شرایط بودجه ضعیف خانواده، سهم قابل توجهی از در آمد ماهانه خانواده هزینه خرید کتاب، مطبوعات، کالاهای فرهنگی، گذران اوقات فراغت و ... می گردد، در حالی که در ایران در وضعیت مشابه چنین اتفاقی نمی افتد. در هر حال، کم و کیف هزینه ها خود بستگی به تغییر بودجه خانواده/خانوار دارد. در عین حال، مشوق ها و انگیزه هایی که مردم را به فعالیت های مربوط به پس انداز و هزینه وا می دارد، خود متفاوت بوده، و بستگی به هنجارها و ارزش های مردم در یک جامعه مورد نظر دارد.

دیدگاه‌های نظری

درآمد و ثروت، خود به عنوان عوامل تعیین کننده بودجه خانواده/خانوار و در نتیجه مصرف به حساب می‌آیند. اغلب مطالعات از درآمد سرانه، به عنوان متغیرهای ثروت نام می‌برند. در عین حال، این گونه فرض می‌گردد که درآمد سرانه تأثیر مثبت و مستقیمی بر موقعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده/خانوار در هر جامعه ای دارد. این شرایط خود کمک فراوانی به افزایش میزان پس انداز کرده، و در نتیجه اطمینان بیشتری جهت الگوهای مصرف در آینده به وجود آورده است. برای فقرا با بودجه کم، این احتمال وجود دارد که در وضعیت مصرف و تأمین نیازهای خود در سطح بیولوژیک یا اجتماعی، حداقل مجبور به ادامه زندگی باشند. در عین حال، این خود به معنای پس انداز در حد صفر برای همیشه برای خانواده های فقیر نیست، بلکه آن‌ها همیشه در تلاش هستند تا با اعمال احتیاط، خود را در برابر نوسانات و با توجه به درآمد جاری خود، در برابر آسیب‌ها و چالش‌های اقتصادی و اجتماعی مصون نگه دارند. در چنین شرایطی، آن‌ها با سرمایه و ثروت ناچیز خود، حتی این فرصت را ندارند که در موارد نیاز برای حفظ مصارف خود از منابعی قرض بگیرند (Deaton:1989&Zeldes:1989). چنین شرایطی، ضمن اینکه سطح زندگی آن‌ها در حد پایینی نگه می‌دارد، ایشان را نیز از جهات مختلف اجتماعی و اقتصادی آسیب پذیر می‌نماید.

خانوارها/خانواده‌ها به ویژه در جوامع رو به توسعه از جمله ایران به لحاظ اعتبار همواره در مضیقه اند؛ بدین معنا که مصارف آن‌ها به زحمت و سختی می‌تواند با نوسانات درآمد مقابله و هماهنگی نماید. دیتون^(۱) (۱۹۸۹) این گونه به بحث می‌پردازد که ساختار بودجه خانواده در کشورهای صنعتی به گونه ای است که تفاوت بین میزان‌های درآمد جاری* و درآمد دایم چالش‌هایی ایجاد نمی‌نماید.

بسیاری از مطالعات صورت گرفته در کشورهای رو به توسعه توجه خاصی به آثار نوسانات درآمد بر پس انداز اعمال نداشته‌اند. تنها گوپتا^(۲) (۱۹۸۷) در این خصوص اظهار می‌دارد که پس انداز به طور قابل توجهی و به گونه ای مثبت به شوک‌های موقتی درآمد پاسخ می‌دهد.

1. Deaton

* در این گونه جوامع اصولاً بی نظمی درآمد به چشم نمی‌خورد، و در نتیجه درآمد جاری همان درآمد پیوسته و مداوم است.

2. Gupta

در قالبی خوش بینانه، ثروت عموماً به عنوان عامل اساسی مصرف و پس انداز در چارچوب نظری آن به حساب می آید. در عین حال، درآمد مستمر به عنوان بخشی از کل ثروت به حساب می آید، و به زبانی ساده تر، مشتقات ثروت عبارت است از مجموعه اموالی که قابل مبادله جهت مصرف باشد، و آن خود وسیعاً و به لحاظ جامعه شناسی بر موقعیت اجتماعی - اقتصادی خانوار/خانواده تأثیر خواهد گذاشت. این جریان بر روش زندگی و تعاملات خانواده نیز تأثیر می گذارد. از این رو، دسترسی به مجموعه اموال بیشتر به خانوارها/خانواده ها اجازه می دهد تا به طور متوسط از سطوح مصرف بالاتری برخوردار باشند. ضمناً، براساس نظریه "گماین شافت - گزل شافت"^(۱) (فردیناند تونیس ۱۹۶۳-۱۸۸۷)، خانوارها/خانواده ها پیوسته به لحاظ رفتار، روابط اجتماعی، مصرف و ... در حال تحول هستند.

چارچوب نظری بودجه و رفاه

وضعیت عمومی سلامت، بهبودی، مسرت افراد و خانواده ها در جامعه و ... خود در گرو میزان رفاه در جامعه قرار است. همین طور، مجموعه ای از این گونه متغیرها خود تشکیل دهنده مفهوم رفاه در یک جامعه مورد نظر است. زندگی عصر حاضر خود همواره تحت تأثیر نگرانی های ناشی از بودجه و درآمد خانواده قرار دارد. مفهوم یا اصطلاح "رفاه" که خود زاینده جامعه صنعتی است، اشاره به وضعیت سلامت، آموزش، مسکن، دریافت خدمات مورد نیاز در جامعه توسط افراد و ... دارد، که عامل عمده و پاسخ دهنده آن عمده چگونگی بودجه خانواده است. در این زمینه، نظریه کارکردی (پارسونز: ۱۹۷۷) نیز اشاره بر این دارد که دولت/نظام با مداخله خود، از طریق پیش گرفتن سیاست های اجتماعی مؤثر و مربوط، بایستی به رفع نگرانی های پیچیده و متناقض در جوامع پردازد.

درحالی که یکی از ابعاد عمده نابرابری بین خانواده ها همانا میزان درآمد و میزان ورودی ثروت به درون خانواده است، شاخص کیفیت زندگی وسیعاً تحت تأثیر آن قرار دارد. نابرابری درآمد و ثروت بین خانواده ها خود به عنوان نشانه بارز میزان فقر، و به دنبال آن کیفیت پایین سطح زندگی بین آن ها مطرح است. در تبیین مفهوم "کیفیت زندگی" باید افزود؛ آنچه که باعث برطرف کردن نیازهای انسانی می گردد، و شکاف بین امید و انتظار را بر طرف می نماید (به حداقل می رساند)، خود حاکی از کیفیت زندگی یا به تعبیری کیفیت زندگی

استاندارد در یک جامعه مورد نظر است. همین طور، شرایطی که در آن افراد و اعضای خانواده از امکانات موجود در جامعه بتوانند بهره گیرند (لذت برند)، خود حاکی از مفهوم کیفیت زندگی است. از این رو، بهره مندی از سلامت خوب، آموزش مناسب، غذا و مسکن مناسب و... همگی حاکی از کیفیت زندگی مناسب اند. تأمین سه متغیر بودجه، رفاه و کیفیت زندگی خود موجبات سلامت و حرکت موزون در خانواده/خانوار را فراهم می آورند (Notes on QOL:2008).

مفاهیم اساسی خانوار/ خانواده

پیش رفت‌های مربوط به نوسازی و مدرنیته از جهاتی نقش خانوار را محدود کرده است. نظام سرمایه داری صنعتی خود تغییرات وسیعی در وظایف و عمل کردهای تولیدی بوجود آورد؛ به نحوی که در آن مثلاً، محل سکونت از محل کار جدا شد. همین طور، به دنبال پیدایش نظام تحصیلات رسمی، بسیاری از وظایف خانوار/خانواده از نوع امور تربیتی و اجتماعی کردن جوانان از نهاد خانواده ساقط و به نهادهای جدید از نوع مدرسه واگذار گردید (Crow and Allan:1980). در نتیجه، خانواده های جدیدی به عنوان منبع حمایت و امنیت مطرح هستند؛ منظور جریانی که خود تهدید کننده محیط اجتماعی است (Lasch:1979).

خانواده یا به تعبیری خانوار در سراسر جهان با ازدواج (یا در ممالک غربی حوالی ازدواج) تشکیل می گردد، و آن خود همکاری های اقتصادی، برطرف کردن نیازهای غریزی، پرورش کودک (کودکان) و نظایر آن را در بر می گیرد، و کل این فرایند به دوام و بقا انسانی کمک می کند (Macionis:1997).

جریان صنعتی شدن به طور وسیعی واحد خانوار/خانواده را در ایران همچنان سایر جوامع تحت تأثیر قرار داده است. همین طور، تحرک اجتماعی رو به افزایش بین اعضای خانواده، فرصت ها و موارد حق انتخاب شغل و تعاملات اجتماعی گسترده، همگی به طور همه جانبه ای روابط درون خانواده را در عصر حاضر تحت تأثیر قرار داده اند. این وضعیت روابط خویشاوندی درون خانواده را نیز تحت تأثیر قرار داده است؛ به نحوی که در آن همبستگی و ساختار مذهبی که در گذشته در خانوار حکم فرما بود، امروزه به چشم نمی خورد. مجموعه این سناریو عمیقاً و وسیعاً بودجه خانوار را تحت تأثیر قرار داده است. در عین حال، الگوهای اجتماعی-اقتصادی تغییر نیز، ساختار خانواده/خانوار؛ از جمله زمینه های مربوط به بودجه آن را تحت تأثیر قرار داده است. ابعاد این

تأثیر در آینده نیز قابل مشاهده و ملموس خواهد بود. در هر حال، خانوارها/خانواده ها در معرض بی هنجاری^(۱) که ویژگی ناپسند یک جامعه رو به تحول است، خواهند بود.

مسائل مربوط به تضاد و تطبیق بین نظام ارزشی سنتی و مدرن درون خانواده ها در عصر حاضر با توجه به تکنولوژی اطلاعات "IT" پیچیده و متناقض می نماید. تا جایی که به بودجه خانوار مربوط می گردد، در صورتی که آرمان ها و ارزش های جدید با یک دیگر بتوانند تلفیق^(۲) یابند، مضایق و فشارهای سر راه در این وضعیت تحول به طور خودکار به حداقل خود کاهش خواهد یافت (Dube:1995).

روابط خانوار/خانواده موجب همکاری های اقتصادی، حمایت و وابستگی درون خانواده می گردد. تعهدات و الزامات اقتصادی اغلب از درون خانواده فراتر رفته، و شبکه خویشاوندی وسیع تری را در برمی گیرد (Taylor 1999:169). در حالی که در غرب اغلب زنان ازدواج کرده دارای مشاغل با دستمزد هستند، در کشورهای رو به توسعه از جمله ایران، زنان کمتر در چنین وضعیتی قرار دارند، و در نتیجه آن ها قویاً به همسران خود وابسته اند، و آن خود تأثیر معناداری بر بودجه خانوار بر جای می گذارد.

ارضاء خواسته ها

خواسته های رو به افزایش خانوارها/خانواده ها در عصر حاضر بی انتها (لایتهای) به نظر می آید. جهت تأمین و ارضاء خواسته ها در راستای دستیابی به کیفیت زندگی بهتر، جامعه اقتصادی به فراهم کردن و تبدیل اشکال مختلفی از "منابع طبیعی" برای استفاده در خانوارها/خانواده ها می پردازد. یعنی مثلاً، زمین کاشته می شود، دام و طیور پرورش داده می شوند، آهن تبدیل به موتور می گردد، الیاف به پارچه تبدیل می شود، وسائل ارتباطی و خدمات حمل و نقل، و بازارها ساماندهی می گردند، و هزار و یک مورد خدمات دیگر صورت می گیرد تا کالاها و خدماتی را بتوان برای خانوارها/خانواده هایی عرضه کرد که می توانند از عهده پرداخت آن ها بر آیند (Thomas 1987:27).

کلیه این فعالیت ها که هدف از آن ارضاء خواسته های خانوار/خانواده یا به طور عام ارضاء خواسته های انسانی است "تولید" را تشکیل می دهند، و آن منتج به عرضه کالاهای مصرفی و خدمات مختلف می گردد.

1. Normlessness

2. To be synthesized

در هر حال، بودجه کافی درون خانوار/خانواده بایستی وجود داشته باشد، تا از کلیه این گونه کالاها و خدمات بتوان استفاده کرد. در شرایط فقدان یا کمبود چنین بودجه ای محرومیت به اشکال مختلف بر خانواده‌ها مسلط خواهد شد.

در مقابل، در صورتی که منابع کافی جهت برطرف کردن خواسته های خانوارها/خانواده ها وجود داشته باشد، آن ها کمتر با مسائل اجتماعی-اقتصادی مواجه خواهند شد. بنابراین، و تحت چنین شرایطی خانوارها/خانواده ها نیاز به کسب آن چنان کسب در آمد و منابعی دارند تا بتوانند از عهده پرداخت بهاء این گونه کالاها و خدمات برآیند، و این همان نکته ای است که مقاله حاضر در پی آن است. بنابراین، جهت تأمین معیشت، کلیه زیرساخت های اجتماعی-اقتصادی به گونه ای رضایت بخش می بایست فراهم گردد. جریان صنعتی شدن وسیعاً بر جنبه های مختلف زندگی خانواده (خانوار) تأثیر داشته و به طور مستقیم ساختار شغلی را نیز به دو شکل تحت تأثیر قرار می دهد، یعنی:

الف: از یک سو اشتغال خاصی را که یک فرد در صنعت دنبال می کند، بسیاری از جنبه های زندگی خانوار را تعیین می کند. مثلاً، نوع اشتغال تعیین کننده مقدار درآمدی است که خانوار/خانواده بر آن اساس زندگی خواهد کرد، کالاها و خدماتی را که بر آن اساس می تواند اکتفا نماید و ... همین طور، نوع شغل تعیین کننده این خواهد بود که دارنده شغل چه مدت از وقت شبانه روز خود را در محل سکونت خود صرف خواهد کرد؛ و اینکه: آن در شب خواهد بود یا در روز. مشاغل همچنین در مواردی ایجاد تنش و فشار می کنند که خود می تواند به زندگی خانوادگی نیز منتقل گردد. همین طور، نگرش ها و ارزش هایی که به دنبال تجربه کاری ایجاد می گردد، خود ممکن است روابط خانواده را به گونه ای تعدیل نماید (Schneider 1983:485). مجموعه این گونه فعل و انفعالات ناشی از کار خود به انحاء مختلف رفاه خانواده را تحت تأثیر قرار می دهد.

ب: از سوی دیگر، از آنجا که اشتغال خود تعیین کننده طبقه و موقعیت اجتماعی است، زندگی خانوادگی خود به طور غیر مستقیم نیز تحت تأثیر موقعیت شغلی افراد قرار دارد. در عین حال، موقعیت و طبقات گروه ها در حقیقت در بسیاری از جوامع پاره فرهنگ هایی هستند با عادات، ارزش ها، نگرش ها و رویه مصرف بومی. این حقیقت که یک خانوار/خانواده مشخص تعلق به یک طبقه خاص یا گروه خاص دارد، خود تعیین کننده مشخصات ساختاری و کارکردی همان خانوار/خانواده است. مثلاً، تعداد وابستگان، نقش نان آور خانواده و

آسیب پذیری خانواده در برابر بحران، خود تعیین کننده موقعیت اجتماعی-اقتصادی و بودجه خانوار/خانواده مورد نظر است.

فرایند صنعتی شدن در بی سازمانی خانواده نیز نقش داشته است. این عامل اثرات مستقیم و غیرمستقیم مشخصی بر ساختار و عمل کرد زندگی خانوادگی داشته است. این حرکت ضمن تأثیر در بی سازمانی خانواده، در مواردی موجبات انحلال خانواده را نیز فراهم آورده است. در عین حال، اثر غیرمستقیم و مثبت صنعت بر خانواده را در فرصت هایی که صنعت برای زنان به ارمغان آورده است، می توان معنا کرد؛ یعنی اینکه تا چه حد آن‌ها دارای استقلال مالی شده اند. این عامل موجبات ارتقاء بودجه خانواده را فراهم آورده، و منجر به بهبود در کیفیت زندگی خانواده شده است.

از دیدگاه جامعه شناسی، صنعت گرایی در مواردی به نهادهای خانوار و ازدواج طبقات کارگری در شرایط ناتوانی در فراهم کردن زمینه های مناسب اقتصادی و اجتماعی که این خانواده ها در آن قرار دارند، لطمه وارد می آورد.

تا جایی که به تغذیه خانواده مربوط می گردد، این مهم خود متأثر از ترکیب درآمد (قدرت خرید) و زمان (تولید، فرآوری، تهیه و نگهداری) است. کار خانوار/خانواده در کشورهای با درآمد پایین "زمان بر" است؛ مثلاً، خانواده می بایست به جمع آوری هیزم برای سوخت، حمل آب و ... بپردازد؛ در حالی که این جریان در کشورهای صنعتی "سرمایه بر"^(۲) است (Chamber: 1979).

تا جایی که به جوامع رو به توسعه مربوط می گردد، تخصیص منابع کمیاب خانواده بیشتر بر دختران تأثیر می گذارد تا پسران. براساس شواهد موجود در بخش هایی از آسیا و آمریکای لاتین به دنبال نوسان قیمت ها و تغییر در درآمدها، تعلیم و تربیت دختران بیشتر تحت تأثیر قرار می گیرد تا پسران. مثلاً، در صورتی که هزینه های آموزش افزایش یابد، دختران بیشتر در معرض تعلیق و توقف تحصیل قرار می گیرند. همین طور، امور خانگی و مراقبت از کودکان توسط دختران در این جوامع توسط دختران حتی هفت ساله صورت می گیرد (Hoodfar: 1986 and Khafagy: 1990). همین طور، در حالی که پسران و دختران در بسیاری از جوامع رو به توسعه در کارهای خانگی درگیر می شوند، تقاضا برای کار و خدمات دختران بیشتر است. بنابراین

1. Time-intensive
2. Capital-intensive

و براساس برآوردهای صورت گرفته، در حالی که پسران به طور متوسط برای کار در خانه روزانه ۱/۲ ساعت وقت صرف می کنند، دختران برای این گونه امور روزانه ۲/۹ ساعت وقت صرف می کنند. از این رو، تقاضای نابرابر برای کار خانگی به معنای ضرر و زیان آموزشی برای دختران است (Guhl:1990). در نتیجه، تأثیر بودجه پایین خانواده بیشتر روی آموزش و تحصیلات دختران درون خانواده ها واقع می گردد.

در هر حال، افزایش در تولیدات مواد غذایی، خود تضمین کننده مصرف بیشتر بدون افزایش در قدرت خرید نیست؛ یعنی افزایش در درآمد واقعی صورت نمی گیرد. این بدان معناست که خانواده ها در شرایطی می توانند از اقلام بیشتری استفاده نمایند که درآمد آن ها به طور واقعی افزایش یافته باشد. زنان در شرایط درآمد پایین و کسانی که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در حاشیه قرار دارند، این گونه اقشار اجتماعی می بایست مورد حمایت ویژه (نظام اعتباری، سیستم های مالی، بانکی و ...) قرار گیرند؛ به نحوی که تولید درآمد کنند، و بدان وسیله قدرت خرید خانواده خود را افزایش دهند. با این گونه تحول اجتماعی-اقتصادی کیفیت عمومی خانوارها/خانواده ها نیز بهبود می یابد.

شاخص سلامت، معیار خوبی جهت ارزیابی خانواده ها در سطح جهانی و ملی به حساب می آید. در حالی که مردم در کشورهای ثروتمندتر طول عمر بیشتری دارند، و به طور متوسط در معرض بیماری های کمتری قرار دارند، بالعکس در کشورهای فقیر، آسیب پذیری افراد بیشتر بوده، و از میانگین طول عمر کمتری نیز برخوردارند. در هر حال، اصلاح توزیع درآمد و ارتقاء بودجه خانوار به اصلاح این شاخص مهم (سلامت) کمک می کند.

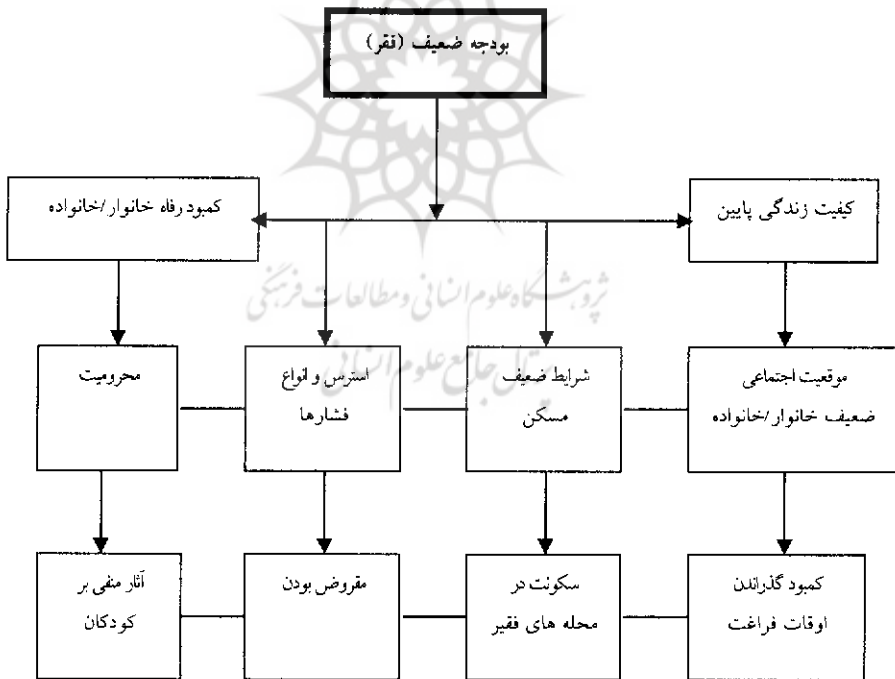
شواهد مربوط به روابط بین درآمد و سلامت در تحلیل های تاریخی و ادبیات مربوط به سلامت و اقتصاد به طور وسیعی وجود دارد. مکئون^(۱) (۱۹۷۶) و فوگل^(۲) (۱۹۹۴) نیز به بحث در این خصوص پرداخته اند، و متعاقباً به این نتیجه رسیده اند که بهبود در طول عمر در قرن نوزدهم صرفاً به دنبال پیش رفت در طب و بهداشت عمومی حاصل نگردید، بلکه به دنبال بهبود تغذیه که خود وسیعاً نتیجه توسعه صنعت و درآمدهای بیشتر بود،

1. Mckeon

2. Fogel

حاصل گردید. پژوهش گران دیگر نیز چون پرستون^(۱) (۱۹۷۵) و ایسترلین^(۲) (۱۹۹۸) مؤید این مدعا هستند که ارتقاء بودجه خانوار/خانواده، سلامت و بهداشت بیشتر را برای خانواده به ارمغان می آورد. در سطح اقتصاد خرد پژوهش گران از داده های خانوار استفاده کرده اند تا رابطه مثبت بین درآمد و وضعیت سلامت را در کشورهای توسعه یافته و رو به توسعه به اثبات برسانند. در کشورها توسعه یافته رابطه ای (کانالی) بین وضعیت سلامت، و بازخورد درآمد نسبت به سلامت قابل تصور است (Alder:1999). بنابراین و براساس دیدگاه های فوق، این گونه می توان بیان داشت که موقعیت اجتماعی-اقتصادی خانوار/خانواده وسیعاً به درآمد و بودجه خانوار/خانواده وابسته است؛ یعنی آنچه که موجبات رفاه بیشتر را برای خانواده فراهم می آورد.

نمودار ۱: تحلیل نظری رفاه خانوار/خانواده



1. Preston

2. Easterlin

بررسی موردی شهر تهران

مطالعه حاضر وسیله ارتباط بین فرد و سلامت اجتماعی- اقتصادی خانوار را فراهم می آورد. این پیمایش همچنین ارتباطی بین سلامت و وضع امنیت اعضاء خانوار/ خانواده به وجود می آورد. ضمن شناخت رابطه بین شاخص درآمد- سلامت، تحقیق حاضر به کنکاش در خصوص سؤالاتی چون منابع درآمد خانوار، سطح سواد مردان و زنان، موقعیت شغلی خانوار، درآمد ماهانه زن و مرد، شرایط مسکن خانوار، هزینه های مسکن، آموزش، غذا، لباس، حمل و نقل، هزینه های درمانی خانوار، هزینه های سیر و سفر ماهانه خانوار، شرایط بیمه خانوار، تعداد کودکان وابسته خانوار، تعداد کودکان بیست ساله و بیشتر بیکار خانواده و رضایت از زندگی خانوار، چگونگی از عهده برآمدن هزینه های زندگی خانوار، موارد رنجش و نابسامانی خانوارها/ خانواده ها می پردازد.

تحقیق حاضر بدین منظور اجراء شده است تا اطلاعاتی از خانوارهای نمونه از بخش های مختلف شهر تهران به دست آید. نیاز جدی به پی بردن به شرایط اجتماعی- اقتصادی خانوار/ خانواده باعث گردید تا این پژوهش انجام گیرد. همین طور، از طریق این پژوهش شناخت بهتری نسبت به چگونگی مصرف خانوار/ خانواده می توان پیدا کرد، و اینکه تا چه حد دسترسی پیدا کردن به کالاها و خدمات مورد نیاز در گرو درآمد خانواده است. نتیجه این مطالعه خود می تواند کم و کیف فقر در خانواده را نشان دهد. بدان وسیله سیاست های لازم را می توان اتخاذ کرد تا از آن طریق بتوان شرایط اجتماعی- اقتصادی خانوارها/ خانواده ها را در سطح کشور که خود ناشی از رشد جمعیت طی سه دهه گذشته است، بهبود بخشید.

طرح آمارگیری از ویژگی های اجتماعی- اقتصادی خانوار در سال ۱۳۸۰ توسط مرکز آمار ایران نیز بیان گر این واقعیت است که در آن سال هزینه های عمومی یک خانوار معمولی در ایران در ماه ۲,۱۹۲,۰۰۰ ریال (۲۷۴ دلار)^(۱) بوده است؛ که از آن ۶۲۴,۰۰۰ ریال (۷۸ دلار)؛ یعنی حدود ۲۸/۴٪ هزینه های خوراکی و دخانی و ۱,۵۶۰,۰۰۰ ریال (۱۹۵ دلار) یا حدود ۷۱/۶٪ ماهانه صرف هزینه های غیر خوراکی خانوار در ماه می شده است، که در مقیاس بین المللی بسیار ناچیز می نماید.

۱- نرخ برابری ریال و دلار آمریکا در سال ۱۳۸۰: یک دلار برابر با حدوداً ۸۰۰۰ ریال.

*- نرخ برابری ریال و دلار آمریکا در سال ۱۳۸۵: یک دلار آمریکا برابر با حدود ۹۰۰۰ ریال.

روش تحقیق

در حالی که تمامی پژوهش‌های اجتماعی نشأت گرفته از یک مسئله تحقیق است، پژوهش گرسعی دارد پاسخ(هایی) به سؤالات طرح شده بدهد. در تحقیق حاضر چون بسیاری از تحقیقات دیگر، شیوه یا راهبرد پژوهش آن گونه طراحی و اجرا گردیده است تا به گونه ای علمی بتوان نتایج را تفسیر و یافته ها را تجزیه و تحلیل کرد. روش تحقیق به کار رفته در این مقاله "روشی ترکیبی" از قالب های نظری و عملی است. قدم اول در آن مشتمل بر مرور و بررسی شواهد و پژوهش های قبلی از طریق مراجعه به نظریه ها و ادبیات مربوطه ای است که توسط پژوهش گران و متفکران مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. مراجعه به ایده ها و روش های سایر افراد اهل نظر پژوهش گر را کمک کرده تا مسایل را به نحوی مطلوب تر روشن و مشخص نماید.

در بخش عملی یعنی نمونه های مورد سؤال پژوهش؛ یعنی ۶۲۳ خانوار / خانواده به طور تصادفی در شهر تهران انتخاب و مورد مراجعه قرار گرفت، و در آن، پرسش نامه های از پیش طراحی شده توسط افراد پرسش گر تکمیل گردید. پس از جمع آوری اطلاعات، داده ها استخراج و جداول مورد نظر از آن ها تهیه، و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نهایتاً یافته ها تفسیر، و بر آن اساس نتایج مورد انتظار گزارش گردیده است.

ارزیابی داده ها

در این تحقیق، روی هم رفته ۶۲۳ خانوار از طریق تکمیل پرسش نامه مورد مراجعه و کنکاش قرار گرفته است. در آن، حدود ۳۰ سؤال از سؤالات مطرح شده به گونه ای مستقیم یا غیرمستقیم به بودجه خانوار تخصیص یافته است، تا بتوان بودجه خانوار/خانواده را حتی الامکان در جامعه آماری شهر تهران برحسب سن خانوار ارزیابی کرد.

از مجموع خانوارها/خانواده های مورد مطالعه، ۹/۹۵ درصد صرفاً دو ساله، ۱۳ درصد ۳ تا ۵ ساله، ۹/۸ درصد ۶ تا ۹ ساله، ۱۸/۱۴ درصد ۱۰ تا ۱۹ ساله، و بالاخره ۴۹/۱۲ درصد خانوارها ۲۰ ساله و بیشتر برآورد گردیده اند. همین طور، از مجموع خانوارهای مورد مطالعه ۰/۴۸ درصد به خانوارهای یک نفره، ۱۸/۵

درصد به خانوارهای دو نفره، ۱۹/۷ درصد به خانوارهای سه نفره، ۲۶ درصد به خانوارهای چهار نفره، ۱۷/۷ درصد به خانوارهای پنج نفره، و مجدداً ۱۷/۷ درصد به خانوارهای شش نفره و بیشتر تعلق داشته است. در نتیجه و براساس تجارب به دست آمده، هر چه بُعد خانوار/خانواده بیشتر بوده، به همان نسبت بودجه خانوار محدودتر به دست آمده است.

همبستگی داده ها دلالت بر این دارد که: به همان نسبت که خانوارها/خانواده ها بر بودجه تأثیر دارند، آن ها از بودجه نیز تأثیر می پذیرند. به هر حال، خانوارهای با گروه های مختلف سنی دارای تعداد فرزندان متفاوت می باشند. در این پیمایش بودجه خانوار در قالب نمونه هایی بر حسب سن خانوار و اینکه آیا هر دو (زن و مرد) زنده هستند، مورد مطالعه قرار گرفته است. تحقیقات دلالت بر این دارد که ۹۴/۳۸ درصد زنان و مردان خانوار/خانواده هنگام مراجعه زنده بوده اند. محتوای تحلیل حاکی از این است که در صورت زنده بودن زن و مرد، حرکت بودجه خانوار/خانواده به شکلی بهتر و موفقیت آمیزتر تحقق می یابد.

در قالبی جمعیت شناختی، در حالی که ۱/۵۳ درصد نمونه های مرد به گروه های سنی ۲۴-۱۵ ساله تعلق دارد، ۲۸/۸۱ درصد مردان به گروه های سنی ۴۵-۵۴ ساله تعلق داشته، و فقط ۴/۵۸ درصد مردان در گروه های سنی ۶۵ ساله و بالاتر قرار می گیرند. این بدان معنا است که بودجه خانوار/خانواده در گروه های سنی ۶۵ ساله و بالاتر روندی کاهشی به خود می گیرد. در حقیقت این گونه گروه های سنی؛ (65^+) نه تنها در ایران بلکه در همه جای جهان نیاز به حمایت های بودجه ای و مالی دارند. بالعکس، تا جایی که به نمونه های زن مربوط می گردد، ۱۰/۷۹ درصد خانوارهای مورد مطالعه به گروه های سنی ۲۴-۱۵ ساله، ۲۸/۱۸ درصد به گروه های سنی ۴۵-۵۴ ساله و تنها ۱/۷۷ درصد به گروه های سنی ۶۵ ساله و بالاتر تعلق دارد. در هر حال، بقیه گروه های سنی در جامعه مورد مطالعه بین درصدهای ۱/۷۷ تا ۱۰/۷۹ قرار می گیرد.

در جهان امروز، شاخص آموزش تأثیر به سزایی بر شرایط بودجه خانوارها/خانواده ها دارد. در این تحقیق، ۱۵/۷۶ درصد نمونه های مرد دارای تحصیلات ابتدایی می باشند، ۴۷/۶۳ درصد سطوح متوسط را به اتمام رسانیده اند، ۳۵/۵۹ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده، و فقط ۱/۰۲ درصد بی سواد بوده اند. تحت چنین شرایطی بودجه خانوار/خانواده برحسب استانداردهای ایرانی رضایت بخش به نظر می آید.

تا جایی که به نمونه های زن مربوط می گردد، ۱۶/۵۹ درصد پاسخ گویان دارای تحصیلات ابتدایی بوده، و ۴۷/۸۳ درصد دوره دبیرستانی را به پایان رسانیده اند. همین طور و براساس اظهار نمونه های زن، ۳۳/۰۱ درصد این گونه پاسخ گویان یک دوره دانشگاهی را تمام کرده اند، در حالی که ۲/۵۸ درصد این گونه زنان بی سواد شناسایی شده اند. در هر حال، آموزش زنان تأثیر به سزایی بر بودجه خانوار آن ها دارد.

مجموعه ای دیگر از داده ها در این پیمایش دلالت بر این دارد که از ۶۲۳ مردان و زنان مطالعه شده ای که هزینه مخارج خانوار/خانواده را به عهده داشته اند، در ۴۲۴ مورد (۶۸/۰۶٪) خانوارها، مردان عهده دار مخارج خانوار/خانوارها بوده اند. همین طور، در ۴۳ مورد (۶/۹۰٪) خانوارها، زنان عهده دار مخارج خانوار/خانواده شناسایی شده اند، و بالأخره در ۱۵۶ مورد (۲۵/۰۴٪)، زنان و مردان با یک دیگر مسئول تأمین هزینه های خانواده بوده اند. در ارزیابی شرایط مسکن خانوارها/خانواده ها، محقق به این نتیجه رسید که ۶۶/۱۳٪ خانواده ها مالک اماکنی بودند که در آن زندگی می کردند، در حالی که ۳۰/۸۲٪ خود را دارای اماکن استیجاری معرفی کردند، و بالأخره ۳/۰۵٪ پاسخ دهندگان در اماکن سازمانی سکونت داشتند.

مجموعه ای دیگر از داده ها نشان گر وضعیت مستمری ماهانه خانوارهایی است که مردان/زنان آن ها بازنشسته هستند. در آن، از حدود ۳۳۳ خانوار یا اعضاء خانوارهای بازنشسته، ۲۰۵ مورد یا ۶۱/۶۵٪ دارای مستمری ماهانه هستند، در حالی که ۱۲۸ مورد یا ۳۸/۴۴٪ این گونه خانوارها فاقد هرگونه مستمری ماهانه شناسایی شده اند. در ایران مثل بسیاری دیگر از کشورهای رو به توسعه، نسبت قابل توجهی از افراد بازنشسته به طور منظم مستمری ماهانه دریافت نمی کنند. از این رو، آن ها می بایست متکی به اموال شخصی خود یا فرزندان خود باشند تا زندگی خود را بتوانند تأمین کنند.

جدول ۱: طبقه بندی خانوار/خانواده برحسب جنس و موقعیت شغلی در شهر تهران (٪)

مردان در خانوار/خانواده	کلیه (٪)	شاغل	بیکار	بازنشسته
۵۹۰	٪۱۰۰	٪۸۶/۹۵	٪۱۱/۶۹	٪۱۱/۳۶
زنان در خانوار/خانواده	کلیه (٪)	شاغل	بیکار	بازنشسته
۶۲۳	٪۱۰۰	٪۲۸/۹۹	٪۶۷/۲۹	٪۳/۷۲

جدول شماره ۱ بیان گر این واقعیت است که تقریباً یک سوم (۲۹٪) زنان در مقایسه با مردان در خانواده ها در ایران شاغل هستند. از این رو، فشار تأمین زندگی عمده بر دوش مردان در خانواده است. در خصوص مقایسه زنان و مردان بازنشسته خانواده نیز به همین ترتیب نسبت تقریباً ۱/۳ را نشان می دهد؛ یعنی حدوداً ۴ زن بازنشسته در برابر ۱۲ مرد بازنشسته و ...

جدول ۲: طبقه بندی خانوار/خانواده بر حسب جنس و وضعیت درآمد ماهانه در شهر تهران (%)

تعداد مردان در خانواده	کلیه (%)	کمتر از ۱م۰۰۰,۰۰۰ ریال	۱م۰۰۰,۰۰۰ تا ۲م۰۰۰,۰۰۰ ریال	۲م۰۰۰,۰۰۰ تا ۴م۰۰۰,۰۰۰ ریال	۴م۰۰۰,۰۰۰ ریال و بیشتر
۵۹۰	۱۰۰٪	۲۷,۲۳٪	۱۱,۷۱٪	۱۴,۷۷٪	۴۵,۵۲٪
تعداد زنان در خانواده	کلیه (%)	کمتر از ۱م۰۰۰,۰۰۰ ریال	۱م۰۰۰,۰۰۰ تا ۲م۰۰۰,۰۰۰ ریال	۲م۰۰۰,۰۰۰ تا ۴م۰۰۰,۰۰۰ ریال	۴م۰۰۰,۰۰۰ ریال و بیشتر
۶۲۳	۱۰۰٪	۲۶,۷۲٪	۲۱,۲۸٪	۱۹,۰۳٪	۳۲,۰۸٪

جدول شماره ۲ منعکس کننده این واقعیت است که تعداد مردان در خانواده به مراتب کمتر از زنان است. همین طور، زنان دارای درآمد کمتر از ۱/۵ میلیون ریال بیش از ۲۶ درصد را نشان می دهد، در حالی که این شاخص برای مردان ۲/۲۳ درصد است. شاخص درآمد بیش از ۳ میلیون ریال برای مردان در این پژوهش بیش از ۵۵ درصد است، در حالی که این شاخص برای زنان حدود ۲۳ درصد برآورد گردیده است.

جدول ۳: طبقه بندی خانوار/خانواده بر حسب هزینه های نسبی مسکن، هزینه تحصیل کودکان، هزینه های نسبی غذا، پوشاک، حمل و نقل، دارو و درمان، تفریح و گذراندن اوقات فراغت و سایر هزینه های ماهانه خانوار در شهر تهران (%)

هزینه های مسکن	کس (%)	کمتراز	۹۹۹,۰۰۰ ریال	۱,۹۸۹,۰۰۰ تا ۴,۹۹۹,۰۰۰ ریال	۲,۹۸۹,۰۰۰ تا ۱۹,۹۹۹,۰۰۰ ریال	۲۴,۹۹۰,۰۰۰ ریال و بیشتر
کس (%)	۱۰۰	۷۰,۸۷	۹۶	۵۴۱	۶۲۶	۸۸۴
هزینه های نسبی تحصیل کودکان	کس (%)	کمتراز	۴۲۳,۰۰۰ ریال	۴۸۶,۰۰۰ تا ۲,۲۴۳,۰۰۰ ریال	۲,۹۹۰,۰۰۰ تا ۱۹,۹۹۵,۰۰۰ ریال	۱۹,۹۹۵,۰۰۰ ریال و بیشتر
کس (%)	۱۰۰	۵۲۳۲	۱۱۴۰	۱۴۷۷	۹۷۵	۱۲,۲۶
هزینه های نسبی غذا	کس (%)	کمتراز	۴۹۵,۰۰۰ ریال	۹۹۰,۰۰۰ تا ۴,۹۹۵,۰۰۰ ریال	۱,۹۸۹,۰۰۰ تا ۴,۹۹۵,۰۰۰ ریال	۱۹,۹۸۰,۰۰۰ ریال و بیشتر
کس (%)	۱۰۰	۱۷۵۰	۲۷۱۳	۲۲۸۵	۱۲۲۰	۲۰,۲۲
هزینه های نسبی پوشاک	کس (%)	کمتراز	۲۴۳,۰۰۰ ریال	۴۸۶,۰۰۰ تا ۲,۲۴۳,۰۰۰ ریال	۲,۹۹۰,۰۰۰ تا ۱۹,۹۹۵,۰۰۰ ریال	۱۹,۹۹۵,۰۰۰ ریال و بیشتر
کس (%)	۱۰۰	۲۳۸۸	۱۷۶۶	۱۷۱۳	۷۳۸	۲۰,۰۵
هزینه های نسبی حمل و نقل	کس (%)	کمتراز	۲۴۳,۰۰۰ ریال	۴۸۶,۰۰۰ تا ۲,۲۴۳,۰۰۰ ریال	۲,۹۹۰,۰۰۰ تا ۱۹,۹۹۵,۰۰۰ ریال	۱۹,۹۹۵,۰۰۰ ریال و بیشتر
کس (%)	۱۰۰	۵۸۹۶	۱۷۹۴	۱۶۲۷	۲۵۷	۲,۸۴
هزینه های نسبی دارو و درمان	کس (%)	کمتراز	۲۴۳,۰۰۰ ریال	۴۸۶,۰۰۰ تا ۲,۲۴۳,۰۰۰ ریال	۲,۹۹۰,۰۰۰ تا ۱۹,۹۹۵,۰۰۰ ریال	۱۹,۹۹۵,۰۰۰ ریال و بیشتر
کس (%)	۱۰۰	۸۰۵۸	۱۰۰۱۱	۶۴۲	۱۸۳	۰,۸۶
هزینه های نسبی تفریح و گذراندن اوقات فراغت	کس (%)	کمتراز	۲۴۳,۰۰۰ ریال	۴۸۶,۰۰۰ تا ۲,۲۴۳,۰۰۰ ریال	۲,۹۹۰,۰۰۰ تا ۱۹,۹۹۵,۰۰۰ ریال	۱۹,۹۹۵,۰۰۰ ریال و بیشتر
کس (%)	۱۰۰	۶۵۱۷	۱۳۸۰	۱۲۲۲	۵۳۰	۲,۴۱
سایر هزینه های نسبی خانواده	کس (%)	کمتراز	۲۴۳,۰۰۰ ریال	۴۸۶,۰۰۰ تا ۲,۲۴۳,۰۰۰ ریال	۲,۹۹۰,۰۰۰ تا ۱۹,۹۹۵,۰۰۰ ریال	۱۹,۹۹۵,۰۰۰ ریال و بیشتر
کس (%)	۱۰۰	۵۶۸۲	۹۴۱	۱۶۶۵	۸۶۷	۸۲۵

جدول شماره ۳ خود تلخیص و فشرده ای از چند جدول و بسیاری از نتایج داده های به دست آمده است. مقایسه این ارقام و شاخص ها، خود منعکس کننده چگونگی درآمد و بودجه در خانواده ها در جامعه مورد مطالعه است؛ یعنی به گونه ای غیرمستقیم از طریق شاخص های هزینه به چگونگی و مقدار بودجه خانوار/خانواده می توان پی برد.

جدول ۴: طبقه بندی خانوار بر حسب سن خانوار/خانواده
و بیمه درمانی خانوار/خانواده در شهر تهران (%)

سن خانواده ها		کُل		دارای بیمه درمانی		فاقد بیمه درمانی	
تعداد	(%)	تعداد	(%)	تعداد	(%)	تعداد	(%)
۶۲۳	۱۰۰	۵۰۱	۸۰/۴۲	۱۲۲	۱۹/۵۸		
۶۲	۹/۹۵	۴۶	۷/۳۸	۱۶	۲/۵۷		
۸۱	۱۳	۶۳	۱۰/۱۱	۱۸	۲/۸۹		
۶۱	۹/۷۹	۴۸	۷/۷۰	۱۳	۲/۰۹		
۱۱۳	۱۸/۱۴	۸۹	۱۴/۲۹	۲۴	۳/۸۵		
۳۰۶	۴۹/۱۲	۲۵۵	۴۰/۹۳	۵۱	۸/۱۹		

جدول ۴ بیانگر این واقعیت است که بسیاری از خانواده ها در ایران فاقد بیمه های درمانی هستند. به طور کلی از خانواده های مورد مطالعه، حدود ۲۰ درصد خود را فاقد بیمه های درمانی اعلام کرده اند. در این پیمایش، از خانواده های ۲۰ ساله و بیشتر نیز صرفاً حدود ۴۰ درصد دارای بیمه های درمانی می باشند. از این رو، هنوز هم راه طولانی در پیش است تا پوشش بیمه های درمانی در ایران کامل گردد، و متعاقباً این نوع رفاه نسبی تمامی خانواده ها را در برگیرد.

جدول ۵: طبقه بندی خانوار/خانواده بر حسب سن خانوار/خانواده و تعداد (درصد) کودکان و افراد وابسته به خانواده در شهر تهران (%)

سن خانوار/ خانواده	کُل		۱ فرزند		۲ فرزند		۳ فرزند		۴ بیشتر	
	تعداد	(%)	تعداد	(%)	تعداد	(%)	تعداد	(%)	تعداد	(%)
کُل	۴۴۵	۱۰۰	۶۹	۱۵/۵۱	۱۰۲	۲۲/۹۲	۱۲۳	۲۷/۶۴	۱۵۱	۳۳/۹۳
کمتر از ۲ سال	۳۳	۷/۴۲	۱۵	۳/۲۷	۱۳	۹/۹۲	۲	۰/۴۵	۳	۰/۶۷
۳ تا ۵ سال	۵۱	۱۱/۴۶	۱۰	۲/۲۵	۲۰	۴/۴۹	۱۸	۴/۰۴	۳	۰/۸۷
۶ تا ۹ سال	۴۷	۱۰/۵۶	۱۵	۳/۳۷	۱۷	۳/۸۲	۸	۱/۸۰	۷	۱/۵۷
۱۰ تا ۱۹ سال	۷۶	۱۷/۰۸	۴	۰/۹۰	۱۲	۲/۷۰	۲۵	۵/۶۲	۳۵	۷/۸۷
۲۰ سال و بیشتر	۲۳۸	۵۳/۴۸	۲۵	۵/۶۲	۴۰	۸/۹۹	۷۰	۱۵/۸۳	۱۰۳	۲۳/۱۵

جدول ۶ نیز نشان دهنده تعداد کودکان/وابستگان بیکار در خانواده ها در جامعه مورد مطالعه است؛ یعنی پدیده ای خطرناک که هم اکنون به عنوان یک بحران در جامعه به چشم می خورد. به دنبال افزایش زاد و ولد در دهه ۱۳۶۰، بسیاری از خانواده ها با تعداد فراوان جوانان جویای کار مواجه هستند؛ یعنی وضعیتی که وسیعاً بودجه خانوار/خانواده را در کشور تحت تأثیر قرار داده است.

نظر محقق

محقق بر این عقیده است که بودجه خانوار/خانواده تأثیر تعیین کننده ای بر زندگی اجتماعی و اقتصادی هر یک از اعضای خانواده دارد؛ یعنی چگونگی روش زندگی، امیدزندگی، شرایط مسکن، وضعیت تعلیم و تربیت، امکانات بهداشتی و درمانی، وضعیت تغذیه، سلامت روانی و ... اعضای، که مجموعاً سطح رفاه اجتماعی را در خانواده تشکیل می دهند، بستگی به اندازه بودجه خانوار/خانواده دارند. چگونگی و نتایج آن، ضمن اینکه نسل کنونی را متأثر می سازد، نسل های آتی نیز تأثیر می گذارد. بنابراین شرایط اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی

عصر حاضر، نظام مالی کشور آن گونه می بایست زمینه سازی و بنیان گذاری گردد که در آن سرانه بودجه خانوار/خانواده در حد و مقیاسی متناسب با نیازها و مصارف تنظیم گردد. جهت برخوردار شدن از تسهیلات و خدمات رفاه اجتماعی در آینده، پیش بینی های همه جانبه لازم توسط دستگاه های ذیربط به طور ادواری می بایست به عمل آید، در غیر این صورت بروز چالش های مختلف در خانواده، و افت رفاه اجتماعی بسیار محتمل است. همین طور، جهت ایجاد تضمین های بیشتر رفاه اجتماعی، سیاست های مشخص و مؤثر جمعیتی در سطح کلان آن در کشور می بایست لحاظ گردد.

سلامت جسمی و روحی اعضاء خانواده ها به ویژه کودکان نیز در جامعه مصرفی و پررقابت امروز تا حد زیادی بستگی به وضعیت اقتصادی خانواده دارد، و در صورتی که این مهم از طریق تأمین بودجه مناسب و افزایش درآمد سرانه تأمین نگردد، این نعمت ارزشمند و حیاتی به خطر می افتد. لازم به ذکر است که هرگونه اختلال و نارسایی در سلامت عمومی، میزان بهره وری اقتصادی را نیز در جامعه کاهش می دهد؛ که آن خود به گونه ای تسلسلی بر رفاه اجتماعی در یک جامعه مورد نظر تأثیر می گذارد. فضای تربیتی مناسب در خانواده یا آنچه که به فرآیند اجتماعی کردن موسوم است، تحت تأثیر موقعیت اقتصادی مناسب، بر سلامت رفتاری اعضاء تأثیر می گذارد؛ یعنی احساس تعلق را بین اعضاء و درون خانواده در تعامل با یکدیگر تقویت می نماید.

نتیجه

موقعیت اجتماعی-اقتصادی و متعاقباً رفاه اجتماعی خانواده خود وسیعاً تحت تأثیر درآمد و پس انداز در خانواده است. این دو، نقش معناداری در کیفیت زندگی نهاد خانواده چه در ایران، یا هر جامعه ای دیگر ایفاء می نمایند. مطالعه انجام شده تصویر روشنی از چگونگی خانوار/خانواده و بودجه خانوار از منظر بسیاری از اهل تفکر ارائه می دهد. مقاله همچنین به این نتیجه گیری می پردازد که دو خانواده هرگز دقیقاً و به طور یکسان درآمد خود را تحت تأثیر الگوهای هزینه و مصرف خرج نمی کنند؛ یعنی آن خود براساس الگوهای کیفی رفتار تعیین می گردد. مطالعه حاضر همچنین به این نتیجه دست می یابد که خانواده های فقیر درآمد خود را به طور وسیعی می بایست صرف نیازهای معیشتی نمایند. در عین حال، میزان پس انداز بیشتر، خود اطمینان بیشتری است جهت مصرف بیشتر در آینده، و عکس آن به سطح مصرف حداقل زیستی (بیولوژیک) سوق پیدا می کند؛ یعنی وضعیتی که به تضعیف سلامت شیوه زندگی و کیفیت زندگی نامناسب منجر می گردد. در

مقابل، جریان توسعه صنعتی و تحرک اجتماعی به طور گسترده ای ساختار خانواده را در ایران تحت تأثیر قرار داده است. در ایران، از آنجا که زنان عموماً دارای کار با دستمزد نیستند، و به طور جدی به همسران خود وابسته اند، تا جایی که به بودجه خانوار مرتبط می گردد، آن خود بار تکفل مردان را سنگین کرده است. از تحقیق حاضر این نتیجه نیز به دست آمده است که کمبود بودجه در خانواده، آسیب پذیری آن را در برابر بسیاری از موارد بحران افزایش می دهد، و بر وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده تأثیر می گذارد. از سوی دیگر، بودجه بیشتر خانوار/خانواده به سلامت بهتر خانواده کمک می کند؛ که خود نهایتاً به افزایش امید زندگی، و به طور متوسط به کاهش فراوانی بیماری ها در خانواده منجر می گردد.

از جمله دیگر تحقیقات انجام شده در ایران در سال ۱۳۸۰، میزان هزینه ۲,۱۹۲,۰۰۰ ریال در ماه را نشان می دهد؛ یعنی درآمدهایی در این حدود برای خانوارهای نمونه مطالعه شده در آن سال. ارزیابی اطلاعات جمع آوری شده تقریباً منعکس کننده تصویری شفاف از بودجه خانوار در شهر تهران طی چند سال اخیر است، که نتایج آنها نیز تحلیل و تعدادی نیز در قالب جداول آماری طراحی گردیده است. بدین گونه، در این مقاله بودجه خانوار/خانواده در قالبی جامعه شناختی ارزیابی و منعکس گردیده است.

فهرست منابع

- آمارگیری از ویژگیهای اجتماعی-اقتصادی خانوار، صفحه ۴۵، ۱۳۸۰، مرکز آمار ایران.

- Adler, Nancy E., and John M. Ostrove, (1999), *Socio-economic Status and Health*, New York, The New York Academy of Science.
- Chambers, Robert, (1979), *Seasonal Dimensions to Rural Poverty: Analysis and Practical Implications*, Paper No.142, Institute of Development Studies, University of Sussex, Brighton.
- Crow, G., and G.Allan, (1990), *Constructing the Domestic Sphere: The Emergence of the Modern Home in Post-War Britain* in H.Corr and I.Jamieson (eds), *The Politics of Everyday Life*, London, Macmillan.
- Deaton Angus., (1989), *Savings in Developing Countries: Theory and Review*, Proceedings of the World Bank Annual Conference on Development Economics, (1989), Washington DC., The World Bank Publications.
- Dube, S.C., (1995), *Tradition and Development*, p.54, New Delhi Vikas Publishing House.

- Easterline, Richard A.,(1998), How Beneficent Is the Market? A Look at the Modern History of Mortality, University of Southern California, Department of Economics, Los Angeles.
- Fogel, Robert W.,(1994), Economic Growth, Population Theory and Physiology: American Economic Review 84(3): 369-95.
- Guhl, No., (1990), Children's Patterns of Work in Egypt, Annual Seminar, Research Monograph Series, No. 19, Cairo Demographic Center, Cairo.
- Gupta, Kanhaya L., (1987), Aggregate Savings, Financial Intermediation, and Interest Rate". Review of Economics and Statistics 69(2):303-11.
- Hoodfar, H., (1986), "Child Care and Child Survival in Low-income Neighborhoods of Cairo, the Population Council, West Asia and North Africa Regional Paper, Population Council Cairo.
- Jary, D. and J. Jary, (1999), Dictionary of Sociology, Glasgow, Harper Collins Publishers.
- Lasch, C., (1979), Haven in a Heartless World, New York, Basic Books.
- Macionis, J. J, (1997), Sociology, London, Prentice-Hall.
- Mckewon, T., (1976), The Modern Rise of Population, New York, Academic Press.
- Notes on Quality of Life via Google 2008.
- Parsons, T., 1977, The Evolution of Societies, Englewood Cliffs, NJ., Prentice-Hall.
- Preston, Samuel H., (1975), " The Changing Relation Between Mortality and Level of Economic Development", Population Studies 29(2): 231-48.
- Samuelson, P., (1984), Economics, p.209, London, McGraw-Hill.
- Schneider, E., (1983), Industrial Sociology, p.485, New Delhi, TATA McGraw-Hill Publishing Company.
- Socio-economic Household Survey of Iran, , (2002), p.45, Statistical Centre of Iran.
- Taylor, Steve., (1999), Sociology: Issues and Debates, p.169, London, Macmillan.
- Thomas, S. E. (1987), Economics, p.27, London, The English University Press.
- Tonnies Ferdinand (1887-1963), Community and Society, New York, Harper.

مشخصات نویسنده

دکتر محمدتقی شیخی دانشیار و عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء می باشد.

E- mail: mtshykhi @ yahoo. com